

مخصوصاً مصرف نوشابه‌های الکلی پیش می‌آید و کبد کم حجم می‌شود و سختی مخصوص پیدا می‌نماید، اثر سفید ظاهر می‌کند بعلاوه در رفع زردی (Jaunisse)، تورم کبد و انسداد مجاری آن، مؤثر می‌باشد. در تمام این موارد باید رومارن و فرآورده‌های آنرا قبل از غذا مصرف نمود.

در استعمال خارج، برگ رومارن به‌حالت پخته در شراب، در ورم مفاصل ناشی از جمع شدن آب، تومور خنازیری‌گردن و خیز اندامها، بروی عضو اثر داده می‌شود ضمناً در رفع آساس، کویدگیها، ناراحتی‌های ناشی از ضربات وارده به بدن و پیچ خوردگی مفاصل و نظائر آن سفید می‌باشد.

شراب آن اگر به‌صورت لوسیون بروی زخمها اثر داده شود، آنرا ضد عفونی نموده بهبودی می‌بخشد. جوشانده رقیق برگهای رومارن اگر به‌صورت تنقیه به‌کار رود. در رفع اسهالهای ساده، اثر معالج ظاهر می‌کند بعلاوه به‌کاربردن آن موجب رفع ترشحات (ترشحات سهیلی) می‌گردد.

حمام جوشانده آن در رفع رماتیسم مفصلی، نرسی استخوان و به‌صورت غرغره در رفع ورم مزمن لوزتین تأثیر سفید می‌نماید.

اسانس رومارن اگر در مصارف داخلی به‌کار رود، شدیداً ایجاد حالتی شبیه صرع می‌نماید. مقادیر کم آن اگر به حیوانات تزریق شود، سمومیتی ایجاد می‌کند که مانند اسانس رازیانه، حالت ترس در جانور پیش می‌آورد درحالی‌که اسانسهای *Salvia officinalis*، سرزه و افسنتین، حالت حمله و سببیت در حیوانات ایجاد می‌کند.

از معایب رومارن آن است که نه‌تنها ادامه مصرف ۲ تا ۳ قطره اسانس آن در چند مرتبه در روز و همچنین مصرف مداوم برگ و سرشاخه‌های گلدار آن، ایجاد گاستروانتریت و ورم کلیه می‌کند بلکه ممکن است موجبات مرگ را فراهم سازد.

صورت داروئی - دم کرده ۵ تا ۱ گرم برگ یا سرشاخه گلدار گیاه در یک لیتر آب (مقدار آن به تناسب نتیجه‌ای که گرفته می‌شود می‌تواند تا ۶ گرم در لیتر افزایش یابد) - شراب رومارن (این شراب از خیساندن یک مشت برگ یا سرشاخه خشک گیاه در یک لیتر شراب سفید در تاریکی، به مدت ۴ ساعت به‌دست می‌آید) به مقدار ۳ تا ۴ قاشق سوپخوری در صبح و شب به عنوان مدر و رفع خیز اندامها و استسقاء (Dinand) - تنطوری الکلی ۱٪ اعضای تازه گیاه به مقدار ۱ تا ۲ قطره - پماد رومارن جهت رفع درد (این پماد با افزودن چند قطره اسانس رومارن به مخلوط روغن، رزین و سوم زنبور عسل، پس از ذوب شدن مجموع آنها، به‌دست

می‌آید).

برگ تازه رومارن در فرمول الکلا و الکلاتور و ولنرر و سرشاخه خشک آن در فرمول اسپس و ولنرر وارد می‌شود.

از اسانس رومارن در تهیه فرآورده‌های بهداشتی و داروئی، ادوکانی، بم ترانکی و غیره استفاده به عمل می‌آید.

بهداشت پوست

مقدار یک‌سشت سرشاخه برگدار رومارن (اکلیل الجبل) و یک مشت گل بایونه (تازه یا خشک) را در یک ظرف وارد کرده معادل نیم‌لیتر آجوش بروی آنها بریزید و آنرا به حال خود بگذارید تا سرد شود سپس محتوی درون ظرف را با فشار از پارچه تمیزی بگذرانید و محلول صاف شده حاصل را در یخچال به مدت چند ساعت قرار دهید. در سوع استعمال، ظرف محتوی مایع را از یخچال خارج کرده پارچه نظیفی را در آن وارد نمائید و پس از فشردن پارچه، بمنظور خارج شدن مایع اضافی، پارچه را به پوست صورت بمالیم مالش داده بروی پوست به‌مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه قرار دهید تا به خوبی اثر کنند و این عمل را نیز چند بار تکرار نمائید (۱).

لوسیون مذکور برای کسانی که پوست صورت آنها چرب است، نه تنها آلودگی‌های پوست را از بین می‌برد بلکه بروی پوست اثر سفید و رفع ناراحتی‌های ناشی از التهاب، ظاهر می‌نماید.

جوشانده حاصل از مخلوط سرشاخه برگدار رومارن و گزنه را که گرمای مناسبی معادل گرمای بدن داشته باشد در ظرف نسبتاً بزرگی وارد نموده، در هنگام احساس خستگی و ضعف در پاها، آنها را بدرون ظرف وارد کنید و انگشتان پا و ساق را بمالیم مالش دهید. با این عمل احساس رفع خستگی در پا خواهید نمود (Kitty).

در ایران پرورش رومارن در سال‌های آخر توسعه نسبتاً زیاد مخصوصاً در تهران پیدا نموده است.

۱ - پرورش رومارن، به‌علت بوی مطبوع و ظاهر زیبایی که دارد و بعلاوه نگهداری آن سواظت زیاد لازم‌ندارد در غالب کشورها معمول است بعلاوه این گیاه به‌علت آنکه در فرمول بعضی از فرآورده‌های زیبایی وارد می‌شود، در بعضی نواحی مساعد، در وسعت‌های نسبتاً زیاد پرورش می‌یابد.

Melissa officinalis L.

M. cordifolia Pers. ، M. romana Mill.

فرانسسه : Citronelle ، Thé de France ، Mélisse officinale ، Mélisse

انگلیسی: Lemon - Balm ، Balm - Mint ، Common Balm ، Balm

آلمانی : Zitronenkraut ، Melissenkraut ، Citronenkraut ، Melisse

ایتالیائی: Limoncina ، Appiastro ، Erba Cedrata ، Melissa ، Cedronella

عربی : بادرنجبویه ، ترنجان (Turungân) ، حشیشه النحل (nahll) (....)

فارسی : **بادرنجبویه ، وارنگ بو (در رشت و اطراف آن)**(۱)

گیاهی است پایا، پرشاخه و پرپشت، به ارتفاع ۳ تا ۸ سانتیمتر و حتی بیشتر که به حالت وحشی و خودرو در نواحی جنوبی و مرکزی اروپا، در اسپانیا تا قفقاز و در آسیای صغیر و ایران می‌روید. بعلاوه در نواحی مختلف پرورش می‌یابد. از مشخصات آن این است که ریشه کوچک و استوانه‌ای شکل، سخت و نسبتاً منشعب دارد. برگهای آن پوشیده از ناز، متقابل، بیضوی، به شکل قلب و دندانه‌دار (دندانه‌های فاصله‌دار) است. درازای برگهای آن ۵ تا ۸ سانتیمتر و پهنای آنها ۲ تا ۵ سانتیمتر است بعلاوه در سطح پهنک برگ آن، رگبرگهای متعدد به وضع مشبک دیده می‌شود. رنگ برگهای آن در سطح فوقانی پهنک، سبز تیره ولی در سطح تحتانی آن، سبز روشن است. گل‌های آن که در خرداد تا اوسط مرداد ظاهر می‌شود، رنگ سفید یا کُلی دارند و به تعداد ۴ تا ۱۲ تائی نیز در کناره برگها ظاهر می‌شوند(۱).

کاسه و جام آن دارای دو لب است که در آن، لب فوقانی جام شامل دو لوب ولی لب تحتانی مرکب از ۳ لوب می‌باشد. درون گل نیز ۴ پرچم (۲ بزرگ و ۲ کوچک) جای دارد. میوه‌اش چهار فندقه‌ای و قهوه‌ای رنگ است.

زنبور عسل از گل‌های فراوان این گیاه، نوش معطر، از نوع بسیار خوب به دست می‌آورد. پراکندگی این گیاه در محیط‌های مختلف به صورتی است که در اغلب نواحی مانند کوهستان‌نیا، کنار جاده‌ها، سایه درختها، پای دیوارها، حاشیه باغها، مویزخانه‌ها، بیشه‌ها و غیره یافت می‌شود.

قسمت مورد استفاده گیاه، برگ و سرشاخه‌های جوان آن است.

۱ - این گیاه در بعضی کتب مانند فلور ایران، به نام فرنجمشک نامیده شده است در حالی که در کتب دیگر، این نام به گیاهی دیگر به نام Calamintha officinalis Moench اختصاص داده شده است (Schlimmer).

ترکیبات شیمیائی - برگ ملیس دارای یک ماده تلخ، تانن، کاسفر، قندهای مختلف، مواد رزینی، مواد پکتیکی و ۱۰.۱ تا ۲۰.۵ درصد (گاهی ۷۰ درصد) اسانس است که ماده مؤثر آن به حساب می‌آید.

اسانس ملیس - Essence de Mélisse، مایعی بیرنگ یا به رنگ زرد روشن یا زرد-مایل به خاکستری و دارای بوی بسیار مطبوع شبیه بوی لیمو می‌باشد و این بو مخصوصاً اگر اسانس از برگ گیاه، قبل از گل دادن به دست آمده باشد محسوس تر است. اسانس ملیس مرکب از سیترال، سیترونل لال، ژرانیول و لینالول می‌باشد.



ش ۱۷ - *Melissa officinalis* : گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)، فرم دارویی

اسانس ملیس بازار تجارت، ناخالص است زیرا از برگ گیاه مذکور، مخلوط با اعضای گیاهانی که بوی لیمو می‌دهند تهیه می‌شود و یا آنکه اسانس‌های دیگر مانند اسانس لیمو و اسانس *Andropogon* های مختلف را که بوئی مشابه دارند، بطور تقلب به اسانس ملیس می‌افزایند.

اسانس ملیس در آب عملاً غیر محلول ولی در الکل حل می‌شود. باید در جای سرد، دور از نور و در ظرف دربسته نگهداری شود. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰ درجه، بین ۰.۸۹۰ و ۰.۹۲۵ است.
میوه بادرنجبویه دارای معادل ۱۰ درصد روغن خشک شونده با اندیس ید برابر ۱۶۶۶ است (Ivanowa).

تاریخچه - پرورش این گیاه حتی در زبانهای خیلی قدیم در بین ملل مختلف جهان به منظور درمان بیماریها، معمول بوده است. پزشکان و دانشمندان قدیم از آن در آثار خود، نام بردند مانند آنکه تئوفر است در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح و در قرون بعد، Pline و Columelle (قرن اول میلادی)، از آن استفاده بعمل می‌آورده‌اند. تئوفر است در آثار خود آنرا به نام melissophyllon و دانشمندان دیگر، آنرا به نام abiastrum نامیده‌اند.

ملیس، نخستین بار در قرون وسطی به عنوان مقوی قلب، در درمان بیماریها، به کار رفته است. بوعلی سینا آنرا در ردیف داروهای مقوی قلب جای داده، برای آن اثر تقویت نیروی حیاتی بدن قائل بوده و چنین بیان داشته است که با مصرف آن، بی‌حوصلگی‌ها و کج خلقی‌ها از بین می‌رود. دانشمندان دیگر نظیر Trousseau، Feédric Hoffmann، Lazare، Riviere و غیره، مصرف آنرا برای رفع حالت مایخیولیائی، طپش قلب، ضعف حافظه، سردردهای منشاء عصبی، احساس صدهای مبهم در گوش، سرگیجه و خستگی‌های روحی، توصیه نموده‌اند.

خواص درمانی - نیرو دهنده و ضد تشنج است بعلاوه به عنوان مقوی معده، بادشکن، تسهیل کننده عمل هضم و معرق، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اسانس آن دارای خاصیت ضد تشنج و آرام کننده با اثر قاطع است مشروط بر آنکه به مقادیر کم و درمانی مصرف گردد.

بادرنجبویه در طب عوام به مصارف عدیده می‌رسد مانند آنکه از آن در رفع دل پیچه‌های ناشی از نفخ، درد معده منشاء عصبی، احساس چنگ زدگی در معده، اختلالات هضمی، طپش قلب، سردردهای یکطرفه، سرگیجه، سنکوپ، عصبانیت‌ها، بیخوابی، ضعف قلب، احساس صدهای مبهم در گوش، خستگی‌های روحی، هیستری، مایخیولیا، استفراغهای دوره بارداری، کم‌خونی دختران جوان، برخی حالات آسم، نزله‌های مزمن برونش‌ها، بیماریهای مختلف دستگاه تنفسی، فلج، دردهای عصبی دندان، سردرد، گوش درد، تأخیر وقوع قاعدگی و غیره مصرف می‌شود.

طبق اظهار Dr. W. Bohn (در سال ۱۹۲۷)، مصرف آن اثر رفع تندخونی در دختران جوان و زنان ضعیف‌البینه دارد، گرد سرشاخه‌های گیاه و یا لوسیون حاصل از دم کردن آن، اگر

بر روی زخمها و جراحات اثر داده شود، درد را تسکین می‌دهد و التیام و بهبود آنرا باعث می‌گردد. مالش دادن جوشانده آن، موجب از بین رفتن دردهای صورت می‌شود. الکلاهی آن اگر بر روی عضو مالش داده شود، دردهای رمانیسمی و همچنین ضرب خوردگیها را تسکین می‌دهد.

بادرنجبویه در تهیه بسیاری از لیکورها که راهبین مصرف می‌نمایند، به کار می‌رود. در عطرسازی مورد توجه بسیار است. به صورت خام نیز ضمن سبزی‌های سالاد از آن استفاده می‌شود. در بعضی نواحی نوعی شراب به نام Vin de mai از آن تهیه می‌گردد. برگ تازه آن برای رفع سوزش و درد، بر روی محل گزیدگی زنبور معمولی و زبور عسل، اثر داده می‌شود.

صور دارویی - دم کرده ۲ تا ۵ گرم گیاه در یک لیتر آب جوش (سدت دم کردن چند دقیقه) به مقدار ۳ تا ۵ لیتر در روز - الکلاتور ملیس که از یک قسمت گیاه تازه و ۸ قسمت عرق به دست می‌آید، به مقدار ۲ تا ۴ گرم، به صورت پوسیون - شراب ملیس که از جوشاندن مقدار درمانی گیاه در شراب به دست می‌آید در چند روز متوالی به منظور تقویت قلب و مراکز عصبی و رفع تنگی نفس (Dinand).

در استعمال خارج، له شده آن بر روی محل دردناک و گزیدگی زنبور معمولی و زنبور عسل، جهت رفع درد و ناراحتی، اثر داده می‌شود.

از بادرنجبویه، نوعی میکستور نیرو دهنده برای کسانی که دوره قناعت را می‌گذرانند و همچنین برای رفع ضعف عمومی افراد مسن به شرح زیر تهیه می‌کنند (J. Roques):

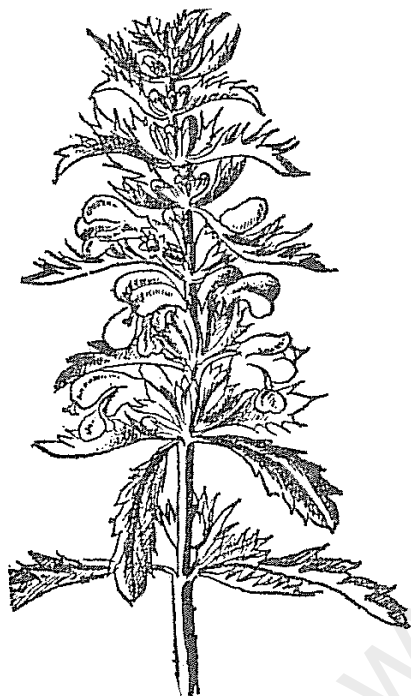
زرده تخم مرغ	۲	عدد
خامه	۱۸۰	گرم
قند	۳۰	»
آب ملیس (بادرنجبویه)	۱۵	»
آب دارچین	۱۵	»

مواد مذکور را باید مخلوط کرده به خوبی هم‌زنند بطوری که به صورت خمیر یکساخت درآید بعداً در موقع مصرف یک قاشق غذاخوری از آنرا در دم کرده بادرنجبویه وارد کرده به خوبی بازنمایند و سپس مصرف کنند.

الکلاهی ملیس کمپوز یا آب ملیس (Eau de Mélisse des Carmes)، یکی دیگر از فرآورده‌های این گیاه است که شهرت درمانی فراوان در همه کشورها دارد و به شرح زیر تهیه می‌شود:

Dracocephalum Moldavica L.

فرانسه : Dracocephale ، Méliisse de Moldavie ، انگلیسی : Moldavian Balm
 آلمانی : Türkische melisse ، ایتالیایی : Melissa turca ، عربی : رأس التین
 گیاهی است علفی ، یکساله ، زیبا و دارای ساقه‌های راست به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر (گاهی بیشتر) که به حالت وحشی و خودرو در بعضی از نواحی جنوبی اروپا، جزیره سیسیل، مولداوی و جنوب غربی آسیا مانند ایران و غیره می‌روید.



ش ۱۸ - Dracocephalum Moldavica : سرشاخه گل‌داز (اندازه طبیعی)

از اختصاصات آن این است که برگهای متقابل، بیضوی دراز، نوک تیز، بادندانه‌های عمیق و گل‌هایی نسبتاً درشت، زیبا و به رنگ آبی مایل به بنفش یا سفید دارد که در طول قسمت انتهایی ساقه، درکناره برگها ظاهر می‌شود.

سرشاخه گل‌دار ملیس نازه	۹۰۰	گرم
پوست بیرونی لیموترش	۱۵۰	»
دارچین	۸۰	»
میخک	۸۰	»
موسکاد	۸۰	»
گشیز	۴۰	»
ریشه آنزلیک	۲۰	»
الکل ۸۰ درجه	۵۰۰۰	»

مواد مذکور را در الکل به مدت ۴ روز می‌خیسانند و سپس با تقطیر در بن‌ساری، معادل ۲۵۰ گرم از آن مایع به‌دست می‌آورند^(۱). آب ملیس اثر نیرودهنده و تقویت‌کننده اعصاب دارد. مقدار مصرف آن نیم تا یک قاشق قیوه‌خوری، مخلوط در یک استکان آب یا شربت ساده است.

گاهی آب بادرنجبویه را به مقدار ۳ تا ۴ قطره بر روی یک حب‌قند می‌ریزند و مصرف می‌کنند. از آب بادرنجبویه در رفع سنکوپ، احساس کسالت عمومی، احساس چنگ‌زدگی در معده و غیره استفاده می‌شود.

اسانس ملیس، اگر به مقدار بیشتر از حد درمانی به کار رود ایجاد مسمومیت و ناراحتی‌های شدید می‌نماید مانند آنکه ۳ گرم آن اگر در صبح ناشتا مصرف شود، سریعاً ایجاد خستگی عمومی، احساس سنگینی سر، بی‌حسی و سپس خواب عمیق نموده فشار خون را پائین می‌آورد.

ملیس در فرمول الکلا و الکلاتور و ولنر و برخی دیگر از فرآورده‌های دارویی وارد می‌گردد.

محل رویش - اطراف تهران، پس‌قلعه در ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متری، نزدیک دربند، کرج، قزوین، گرگان : جنگل گلستان در ۷۰۰ متری، گنبد کاووس، آذربایجان: حسن-بیگلر، کرمانشاه : بین ریجاب و شالان، لرستان : بیشه در ۱۲۰۰ - ۱۴۰۰ متری، گیلان : اطراف رشت .

۱ - فرمول مذکور، فرمول واقعی که در سال ۱۶۱۱ میلادی ساخته می‌شده نیست بلکه به صورت ساده‌تری از آن است که توسط Baumé این تغییر شکل در آن داده شده است.

از مشخصات دیگر این گیاه آن است که در زیرگنهای آن، زائده‌ای با بریدگیهای نوک تیز و دندانه دار، به‌وضوح کاملاً متمایز وجود دارد. پرورش آن نیز در بعضی نواحی به‌علت ظاهر زیبایی که دارد، معمول است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و یا کلید قسمتهای هوایی آن است که عموماً بوئی معطر و مطبوع شبیه بوی بادرنجبویه دارند.

خواص درمانی - برگ و اعضای هوایی این گیاه دارای اسانسی با بوی مطبوع و اثر درمانی شبیه بادرنجبویه است و از آن بیشتر در طب عوام مخصوصاً به عنوان التیام‌دهنده زخم و جراحات، استفاده بعمل می‌آید.

محل رویش - شمال غربی ایران: آذربایجان، تبریز (به‌صورت پرورش یافته در باغچه‌ها) و ارومیه (مزرعه دیزسیانک)، یزد: ده‌بالا در نزدیکی یزد، مازندران در جنگلهای سرطوب.

Hyssopus officinalis L.

H. altissimus Mill. ، *H. canescens* DC.

فرانسه: *Hysop officinale* ، *Hysop* ، انگلیسی: *Common hyssop* ، آلمانی: *Hysop* ، *Isop* ، *Ysop* ، ایتالیائی: *Issopo* ، عربی: *Jessim* ، جسمی، حسل، زوفا گیاهی است پایا، بسیار معطر و دارای ساقه‌های متعدد چوبی شده، به ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر که به حالت خودرو در نواحی جنوبی اروپا، آسیای‌صغیر، ایران و روسیه می‌روید. در زمینهای آهکی بهتر رشد پیدا می‌کند و در کوهستانها نیز تا ارتفاعات ۲۰۰۰ متری بالا می‌رود. از مشخصات آن این است که ریشه ضخیم و منشعب دارد و ساقه‌های متعدد گیاه، مجموعاً ظاهر پرپشت بدان می‌بخشد.

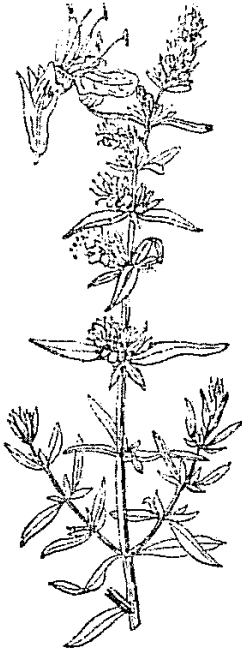
برگهای کوچک و ستایل آن، ظاهر نوک تیز، کامل، بسیار معطر و گلهای زیبای آن، رنگهای آبی تیره مایل به بنفش، سفید و گاهی گلی دارد. گلهای آن که در فاصله ماههای تیر و مرداد، به‌وضوح فراهم در کناره برگهای قسمتهای انتهائی ساقه ظاهر می‌شود، مجموعاً به‌صورت سنبله‌هایی جلوه می‌کند. کاسه‌گل آن لوله‌ای شکل، دارای ۱۰ رگبرگ و منتهی به ۵ دندانه نوک تیز است. جام‌گل آن، از دولب مساوی تشکیل می‌یابد. در داخل جام‌گل، ۴ پرچم با نیله‌های دراز و منتهی به بساک دوشاخه جای دارد. تخمدان آن چهارخانه و میوه‌اش چهار فندقه‌ای است.

زنبور عسل به علت وجود ترشحات قندی فراوان در گلهای این گیاه، علاقه مفرط به آن

دارد و از آن نوش کافی به دست می‌آورد. این گیاه در ردیف مهمترین گیاهان سولد عسل، رده‌بندی می‌گردد.

یکی از واریته‌های آن که اختصاصاً در نواحی کوهستانی می‌روید، گلتهائی کوچکتر از نوع مذکور و ساقه‌های خوابیده دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه سرشاخه‌های گلدار آن است که به مصارف درمانی و تهیه اسانس می‌رسد.



ش ۱۹ - *Hyssopus officinalis*: سرشاخه‌گذار (اندازه طبیعی)

برای برداشت محصول معمولاً سرشاخه گلدار گیاه را هنگامی که گل به‌خوبی در شاخه‌ها ظاهر شده باشد، قطع و به‌سرعت در سایه یا در محلی که جریان هوا برقرار باشد خشک می‌نمایند. علاوه بر این، برگهای گیاه را نیز برای استفاده در بازرگانی عرضه می‌کنند.

ترکیبات شیمیائی - از این گیاه در سال ۱۸۲۹ به وسیله Herberger ماده‌ای با اثر خنثی به نام هیسوپین *Hyssopine* به دست آمد که در سال ۱۹۱۷ توسط Tunman و در

۱۹۲۱ توسط Obsterlé مورد بررسی قرار گرفت. این ماده، گلوکزیدی مشابه هسپریدین Hesperidin شناخته شد و در هرملکولش یک فنل، گلوکز و رامنوز وجود دارد.

طبق تحقیقاتی که J. Balansad بعمل آورد محقق گردید که گیاه خشک دارای ۰.۲ درصد کولین، یک لاکتون و یک فیتوسترول است.

اسانس زوفا که از سرشاخه‌های گلدار گیاه تهیه می‌شود، دارای بوئی شبیه Mentha ها و Tanacetum vulgare و معادل ۰.۵ درصد پینن، مقدار بسیار کم از نوعی الکل عطری و احتمالاً، سزکوئی ترین است.

مایعی بیرنگ و به وزن مخصوص ۰.۹۲ تا ۰.۹۶. در گرمای ۱۵ درجه می‌باشد. این اسانس در ۲ تا ۳ قسمت الکل ۸۰ درجه، در اتر و کلروفرم حل می‌گردد. اسانس زوفا باید در ظروف در بسته و دور از نور نگهداری شود.

تاریخچه - این گیاه از قدیم‌الایام مورد استفاده مردم در درمان بیماریها بوده است بطوری که تئوفراست، بقراط، دیوسکورید، Pline، Columelle و غیره در آثار خود از آن نام برده‌اند. مدت‌ها این بحث علمی در بین بوده است که آیا قدما گیاهی را که hyssopos می‌نامیدند، همین نوع فعلی است که مورد شناسائی مردم می‌باشد یا نه؟ ولی با همه کنجکاویهایی که در این مورد بعمل آمد، به علت نارسا بودن تعریف این گیاه در کتب مختلف، حقیقت روشن نگردید.

در قرون وسطی از آن برای درمان بیماریهای مختلف، بنحوی شبیه زمان حاضر، استفاده بعمل می‌آمده است.

خواص درمانی - دارای اثر نیرو دهنده، آرام کننده سرفه، خلط‌آور، کم‌ویش مدره، مقوی معده و ضد کرم است. در استعمال خارج نیز اثر التیام دهنده دارد.

در بیماریهای سینه، جهت رفع عوارض برونش‌ها، مخصوصاً آسم مرطوب افراد مسن، دم کرده آن مخلوط با عسل مورد استفاده قرار می‌گیرد. Dr. H. Leclerc مصرف آن را در رفع بیماریهای مربوط به برونش‌ها، مخصوصاً رفع ترشحات آن مؤثر ذکر کرده است. اسانس آن که از راه مخاط دفع می‌شود، اثر رقیق کننده ترشحات ریه و سهولت خروج آن دارد ولی چون مصرف آن تاحدی، تحریک کننده است از این جهت باید در مرحله‌ای از بیماری به کار رود که احتقان دستگاه تنفس و التهاب آن از بین رفته باشد. در موارد اخیر یعنی مواقعی که التهاب مخاطهای دستگاه تنفس در بین باشد، بهتر است به این گیاه، مواد نرم کننده نظیر گل پیترک، گل ختمی و غیره اضافه شود تا موجبات ناراحتی فراهم نگردد.

این گیاه به علت دارا بودن خاصیت متوی، در ضعف معده و دستگاه هضم، کم‌اشتهائی ناشی از آن، درد معده و دل‌پیچه‌های ناشی از نفخ، اثر معالج دارد. در همه موارد مذکور نیز اگر سواد متوی تلخ مانند جنتیانا بدان افزوده شود، اثر مفیدتر ظاهر می‌گردد. ضمناً در رفع کم‌خونی دختران جوان، ترشحات سهلی، تأخیر وقوع قاعدگی ناشی از ضعف عمومی، رماتیسم-کهنه، عوارض ناشی از وجود کرم در اسعاء (کرم آسکاریس)، برخی بیماریهای منشاء وجود سنگ در کلیه و ضعف عمل آن، عرق شبانه مسلولین، احساس چنگ‌زدگی در سینه، خنازیر، زردی، آب‌آوردن انساج و غیره مؤثر تشخیص داده شده است.

در استعمال خارج، غرغره دم کرده‌های آن برای رفع درد گلو و ورم لوزه‌ها به کار می‌رود بعلاوه از آن به صورت قرار دادن بروی کوبیده‌گینیا، ورم پلک و خون‌سردگی‌ها استفاده می‌گردد.

باید توجه داشت که اسانس آن، طبق تحقیقاتی که بعمل آمده اثر شدید بروی پیاز مغز تیره (ولی به وضع خفیف‌تر از افسنتین) دارد و مصرف آن موجب پیدایش عوارض صرع-مانند می‌شود بعلاوه لرزش و حالات تشنجی بوجود می‌آورد. از این جهت در موارد لازم باید در کمال احتیاط و به‌مقادیر خیلی کم و درمانی، مخصوصاً در اشخاصی که عدم تحمل دارند، به کار رود.

صور داروئی - دم کرده ۱۰ تا ۲ گرم سرشاخه گلدار و برگ گیاه در یک لیتر آب جوش به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز - شربت حاصل از دم کردن ۱۰ گرم سرشاخه گلدار گیاه در یک لیتر آب و افزودن ۱۰۰ گرم قند به مقدار یک لیوان کوچک ۷۰ سانتیمتر مکعبی در روز (برای اشخاص بالغ) - تنطور الکلی سرشاخه گلدار به مقدار ۱۰ تا ۱۵ قطره مخلوط در یک لیوان آب.

در استعمال خارج، محلول‌های ۵ تا ۶ در هزار سرشاخه گلدار گیاه، به حالت گرم بروی عضو اثر داده می‌شود و یا ضماد گرم آن بر روی خون‌سردگی‌ها گذاشته می‌شود. از جوشاندن مخلوط ۲ گرم برگ یا سرشاخه گلدار گیاه به مدت نیم ساعت با یک شست سپوس در ۵۰ گرم آب، محلولی به دست می‌آید که پس از صاف کردن با اثر دادن بروی عضو به صورت کمپرس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این گیاه، در تهیه آب ملیس، الکلائی و ولنرر و برخی لیکورها و فرآورده‌های داروئی به کار می‌رود.

Calamintha officinalis Moench.

C. mentaefolia Host. ، C. sylvatica Bromf .

فرانسه : Pouliot de montagne ، Baume sauvage ، Calament officinale ؛
 انگلیسی : Cat - mint ، Field - Balm ، Mountain - Calamint ، Calamint ؛
 آلمانی : Feldmelisse ، Bergminze ، Kalamint ، Walwurz ، Bergkalamint ؛
 ایتالیایی : Menta cedrata ، Calamento - montano ، Calamento ، Calaminta ؛
 عربی : قلمنت (Qalamint) ، نعناع بری



ش ۳۰ - Calamintha officinalis : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

گیاهی است علفی، پایا، پوشیده از کرک و دارای بوی مطبوع که در جنگلهای غالب نقاط مرکزی اروپا، فرانسه، جنوب انگلستان، جنوب غربی آسیا و شمال افریقا می‌روید.

سرشاخه گلدار زوفا در فرمول فرآورده‌های دارویی مختلف وارد می‌شود و استفاده از آن قدمت تاریخی دارد .

نسخه جهت پائین آوردن فشار خون

۱۰ گرم	سرشاخه گلدار زوفا
» ۲۵	برگ سریم گلی Salvia officinalis
» ۱۵	ریزوم شیرین دان Agropyrum repens
» ۱۵	ریشه شیرین بیان (نیمکوب)
» ۲۵	پوست سیاه‌توسه Frangula Alnus
» ۳۵	برگ سو (برگ انگور قرمز)
» ۱۰	دم اسب Equisetum arvense
» ۱۰	برگ درخت زیتون

اعضای گیاهان فوق را به خوبی مخلوط کرده سپس از مخلوط حاصل به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری در نیم لیتر آب وارد می‌نمایند و تحت اثر گرمای ملایم چند دقیقه می‌جوشانند بعداً ظرف محتوی مایع و گیاهان مذکور را از گرما دور نموده بحال خود می‌گذارند تا به مدت ۱۵ دقیقه دم کند. در این موقع آنرا صاف می‌نمایند و به مقدار دلخواه در روز هنگام غذا - خوردن مصرف می‌کنند (Dextreit R.).

استفاده درسانی از آن امروزه به پایه گیاهان دیگر این تیره ، در بین مردم معمول نیست .

محل رویش - شمال غربی ایران مانند آذربایجان ، بعضی نواحی بلوچستان (فلور - ایران).

وجود این گیاه در ایران، مورد تردید است ولی در بعضی کتب فارسی ، به همان نام عربی زوفا وارد شده است .

وارته‌ای از این گیاه به نام Boiss. (*Var. angustifolia* M. B.) به صورت سینویم نوع دیگر از گیاه فوق به نام *H. angustifolia* M. B. ، در نواحی شمال ایران، مازندران: پل - زنگوله در ۲۳۰۰ متری، کلاردشت در نزدیکی رودبارک (در ۱۹۰۰ متری)، کوه نزوه Nazvah ، آذربایجان : خلخال، قزوین : کوه دالک، دره کرج در نزدیکی اسدبار ذکر شده است .

بعلاوه در امریکای شمالی نیز به حالت بومی درآمده است. ساقه زیرزمینی آن، جوانه هائی تولید می کند که منجر به پیدایش گیاه جدید می گردد. از مشخصات آن این است که برگهائی بیضوی با دندانه های بزرگ و گلهائی درشت، آبی رنگ یا گلی ارغوانی و مرکب از دولب دارد. لب تحتانی آن شامل ۳ لوب است و در آن لکه هائی بنفش رنگ با ظاهر مشخص دیده می شود.

طرز اجتماع گلهای آن به نحوی است که مجموعاً در قسمتهای انتهائی ساقه و در کناره برگها به صورت نوعی سنبله جلوه می کند.

میوه آن از چهار فندقه بیضوی یا تقریباً کروی و به رنگ قهوه ای تشکیل می یابد. در پایه های گیاه اصلی، گلها عموماً رنگ گلی یا ارغوانی دارند. زنبور عسل به سمت گلهای آن جلب می شود.

خواص درمانی - مقادیر درمانی آن دارای اثر نیرو دهنده، مقوی، مقوی معده و ضد تشنج است. گیاه گلدار دارای اسانس است که اثر آن مشابه اسانس *Salvia officinalis* می باشد. برگهای تازه آن در ترکیب الکلا و الکلاتور و ولنرر و سرشاخه گلدار و خشک آن در فرمول اسپس و ولنرر وارد می شود بعلاوه از گیاه خشک شده، در تهیه نوعی شراب استفاده بعمل می آید.

صورت دارویی - دم کرده مقدار ۵ تا ۶ گرم گیاه در یک فنجان آب جوش جهت مصرف بعد از غذا.

محل رویش - گرگان، بندرگز، گنبد کاووس در ارتفاعات ۸۰۰ متری، تنگ راه در ۴۲۰ - ۵۰۰ متری، سواحل دریای خزر، مازندران: نوشهر در ارتفاعات ۲۰۰ متری، آمل، اطراف شهنسوار، بین چالوس و شهنسوار، کلارستاق، رودبارک در ۱۶۰۰ متری، کلارآباد، خرم آباد، گیلان: اطراف رشت در ۹۲۰ متری هشت پر، اسالم، اسمازاده هاشم، آذربایجان: حسن بگلو.

Calamintha arvensis (Lam.) Dandy

C. Acinos (L.) Clairv. ، *Thymus Acinos* L.

فرانسه: *Basil thyme*، *Wild basil* ، *Calament acinos* ، *Basilic sauvage* ، انگلیسی:

آلمانی: *T. salvatico* ، *Timo canpestre* ، *Wild basilic* ، *Steinquendel* ، ایتالیائی:

عربی: ریحان ببری

گیاهی یکساله یا دوساله و دارای ساقه ای به ارتفاع ۱۵ تا ۳۰ سانتیمتر است. گلهائی به رنگ بنفش گلی یا سوسنی و به طول یک سانتیمتر دارد. در سزارع نسبتاً خشک، چمنزارهای



ش ۲۱ - *Calamintha grandiflora*: گیاه کامل گلدار، کاسه و جام گل باز شده، کاسه گل، دانه

طبیعی و یا در سواحل یافت می‌شود. پراکندگی آن به صورتی است که در غالب نواحی اروپا، جنوب غربی آسیا و سراسر آسیا می‌روید. نوش فراوان گل‌های آن، زنبور عسل را به سمت خود جلب می‌کند. دارای اثر قابض و بادشکن است و همیشه به صورت دم کرده مانند چای مصرف می‌شود.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، مازندران: کوه‌نروه نزدیک تارو، آذربایجان: علی‌بلاغ، قزوین و دامنه‌های خشک اطراف آن، ارتفاعات الموت. **C. Nepeta Sav.** گیاهی علنی و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۶ سانتیمتر است. از کلیه قسمت‌های آن نیز بوی بسیار قوی و نامطبوع استشمام می‌گردد. در جنوب غربی آسیا و اروپا و شمال آفریقا می‌روید. اثر مقوی معده دارد. **محل رویش** - نواحی شمالی ایران، گیلان (فلور ایران). وجود این گیاه در ایران، مورد تردید است.

Calamintha Clinopodium Benth.

فرانسه: **Roulette, Clinopode** انگلیسی: **Horse thyme, Field wild basilic** آلمانی: **Wild basilic, Gemeiner Wirbelrost** ایتالیایی: **Basilico salvatico** عربی: **حبق بری (Hhabaq barri)**

گیاهی با ساقه بلند به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. گل‌هایی نسبتاً درشت. به رنگ گلی یا ارغوانی و مجتمع به وضع فشرده دارد. در غالب نواحی اروپا، جنوب غربی آسیا، سیریه و شمال آفریقا می‌روید. دارای اثر مقوی است و از آن نوعی تنطور به رنگ زرد تهیه می‌شود. نوش فراوانی که در قاعده جام‌گل آن فراهم می‌گردد سبب جلب زنبور عسل می‌شود. این گیاه در ردیف مهم‌ترین انواع سوله عسل جای دارد.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، اطراف تهران، کوهستان‌های نواحی غربی ایران و آذربایجان (فلور ایران).

این گیاه به صورت سینونیم نوعی به نام **Clinopodium vulgare L.** در کتب علمی دیگر آمده است و دو گونه فرعی به نام‌های **subsp. vulgare** و **Subsp. orientale Bothmer** از آن در نواحی مختلف شمال ایران مانند گرگان، مازندران، آذربایجان، قزوین و غیره ذکر شده است (فلورا - ایرانیکا).

Calamintha grandiflora Moench. گیاهی بسیار زیبا و دارای ساقه‌ای به ارتفاع

۲ تا ۵۰ سانتیمتر است. گل‌هایی به رنگ قرمز ارغوانی دارد و چون مجموعاً گل آذین زیبا از گل‌های آن بوجود می‌آید، غالباً اقدام به پرورش آن می‌گردد. این گیاه در جنگلهای نواحی کوهستانی مرکز و جنوب اروپا، جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا می‌روید. نوش فراوان و بسیار مرغوب نیز در گل‌های آن فراهم می‌شود.

دارای خاصیت نیرو دهنده و ضد تشنج است.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، کندوان، کجور، کیاسر به سمت فولاد محله، سنگ‌ده، دره چالوس، پل زنگوله در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری و نقاط دیگر البرز، گرگان، رامیان، جنگل گلستان (احمدچنگیزی)، گیلان: اسالم، خلخال، شاهرود - بسطام، قزوین: پاکده در ۱۸۰۰ متری (رامین زرگری)، آذربایجان: کوه قره‌داع، کالیبار به سمت علی‌آباد در ۱۸۰۰ متری.

Pogostemon Patchouly * (1)

فرانسه: **Patchouly** انگلیسی: **Patchouly oil plant** آلمانی: **Patchoulypflanz**

ایتالیایی: **Pacciuli, Patchouli, Patchouly** عربی: **بشولی (Batschûli)**

این گیاه که اعضای معطر و مطبوع دارد، در بعضی نواحی آسیا مانند هند و برمه می‌روید. از برگ آن، اسانسی تهیه می‌گردد که در عطرسازی بسیار مورد توجه است. از این جهت در نواحی مختلف مانند ژاپن، مالزی، چین، ماداگاسکار و غیره، اقدام به پرورش آن به منظور تهیه اسانسی به نام **اسانس پاچولی Essence de Patchouly** می‌شود.

اسانس پاچولی غیر از گیاهان مذکور، از انواع دیگر نیز به دست می‌آید که به ذکر چند نوع زیر اکتفا شده است (Dorv. 1982, Perrot. Em. p. 2024):

- ۱ - **P. Heyneanus Benth.** که در جاوه از آن اسانس‌گیری می‌شود.
- ۲ - **P. comosus Miq.** که در شمال هند از آن اسانس‌گیری می‌شود.
- ۳ - **Microtaena cymosa Pram.** که در جاوه پرورش می‌یابد.
- ۴ - **robusta Hensl.** - - که در چین پرورش می‌یابد.

اسانس پاچولی، دارای مقدار خیلی زیادی کادی ن **Cadinène**، الکل پاچولی

- ۱ - در کتب دارویی جدید، گیاه مذکور به صورت گونه اصلی (Dorvault 1982) و **P. Heyneanus Benth.** به صورت یک نوع جداگانه و متفاوت با آن درآمده است.
- اسانس پاچولی تجارتي نیز از انواع پرورش یافته گیاهان مذکور مانند **P. cablin (Bl.) Benth. (P. Patchouly Var. suavis Hook. f.)** به دست می‌آید (Merck Index. N. 6641, 1979).

(alcool de Patchouly) یا کامفر پاچولی به فرمول $C_{15}H_{11}O$ ، اوژنول ، الدئیدبنزوئیک و غیره است.

برگهای تازه این گیاه تقریباً فاقد بوی می باشد ولی پس از چیدن اگر بر روی هم انباشته شود ، به علت تخمیری که حاصل می کند . بوی معطر و مطبوع در آن بوجود می آید .
در ایران نمی روید .

Lamium album L.

L. capitatum Sm. ، L. foliosum Crantz.

فرانسه : Ortie blanche ، Lamion ، Marachemin ، Lamier blanc ؛
انگلیسی : Blind-Nettle ، Bee-Nettle ، White dead-nettle ، White deadnettle ؛
آلمانی : Ackernessel ، Weissen - Bienensaug ، Weisse Taubnessel ؛
ایتالیایی : Hhurf abyad ؛ عربی : حرف ابيض ؛
فارسی : گزنه سفید

گیاهی است علفی، پایا و به ارتفاع ۱۰ تا ۶۰ سانتیمتر که به حد وفور در نواحی مرطوب، حاشیه جنگها و اماکن سایه دار غالب نواحی اروپا مانند فرانسه ، سوئیس ، بلژیک و نواحی شمالی، غربی و جنوب غربی آسیا و همچنین در شمال افریقا مانند الجزیره و تونس می روید. ساقه راست یا کمی خمیده، چهارگوش و برگهای متقابل، به شکل قلب، نوک تیز و دندانه دار دارد. گلهای آن در فاصله ماههای فروردین و اردیبهشت، به صورت دسته های ۱ تا ۱۰ تائی در کناره برگهای قسمت فوقانی ساقه مجتمع می گردد. رنگ گلهای آن سفید مایل به زرد است ولی غالباً لکه هائی به رنگ سبز در آن دیده می شود ضمناً بر اثر سمن شدن، غالباً کلی رنگ می گردد. هر گل آن دارای ۲ لب، لب فوقانی به شکل کاسک و لب تحتانی ۵ تقسیم به ۲ لوب است بعلاوه یک دسته تار در قسمت انتهائی لوله جام از داخل دیده می شود. در درون جام گل آن ۴ پرچم در حول مادگی جای دارد .

حالات غیر طبیعی مختلف در این گیاه دیده می شود مانند آنکه در بین پایه های آن، متفاوت نموده هائی با برگهای فراهم به تعداد ۴ تا ۲ تائی و یا به وضع عاری از نظم و ترتیب و گلهای ۵ پرچی مشاهده می شود. گلهای آن نوش فراوان تولید می کند ولی به علت تنگ بودن قاعده جام گل، قبل از بازدید زنبورهای معمولی و گشاد شدن لوله جام، نمی تواند مورد استفاده زنبور عسل قرار گیرد .

قسمت مورد استفاده این گیاه، گلهها و یا سرشاخه های گلدار آن است که بوی ملایم

دارد ولی پس از خشک شدن فاقد آن می گردد. جمع آوری سرشاخه های گلدار گیاه باید در آغاز گل دادن ولی گلهای آن، پس از شکستن کاسل صورت گیرد زیرا اگر بتأخیر افتد، اثر درمانی آن کاهش می یابد. جام گل گزنه سفید که معمولاً پرچمها را همراه دارد و فیست آن در بازار تجارت گران تر است، بر سرشاخه گلدار گیاه از نظر درمانی ترجیح داده می شود. در برخی بیماریها، از کلیه اعضای گیاه و یا شیره آنها نیز استفاده بعمل می آید .



ش ۲۲ - Lamium album : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

ترکیبات شیمیائی - تانن ، موسیلاژ ، قند (استاکیوز) ، یک گلوگزید قابل هیدرولیز تحت اثر امولسین ، اسانس ، اسید گالیک ، اسلح پتاسیم ، یک ساپونین ، ماده ای با واکنش الکالوئیدی (A. Orechoff در سال ۱۹۳۴).

خواص درمانی - استفاده‌های درمانی از این گیاه به زمانهای خیلی قدیم نسبت داده نمی‌شود و فقط در قرون وسطی بود که این کار بین مردم معمول گردید.

سرشاخه گلدار و گل‌گزنه سفید، بطور ملایم اثر قابض، تصفیه‌کننده خون، مدر، صفرابر، سخدر، سرفح و التیام‌دهنده دارد از این جهت از آن در درمان بیماریهای مختلف مانند اسهالهای ساده، خونرویها، اخلاط‌خونی، رفع دانه‌های جلدی اطفال، خنازیر، کم‌خونی، آب آوردن انساج، بیماریهای دستگاه تنفس و طحال، عدم دفع ادرار و ترشحات زنانگی مصرف می‌شود.

Dr. H. Leclerc با مصرف شیره این گیاه در دختران جوان مبتلا به کم‌خونی، نتیجه مطلوب در رفع خونرویهای خارج از موعد قاعدگی و ترشحات زنانگی به دست آورد بعلاوه آنرا در جس البول و عدم دفع ادرار افراد مسن مؤثر تشخیص داد.

بررسی‌های مختلف دیگر، تأثیر این گیاه را در رفع نارسائی‌های اعمال کبد به ثبوت رسانید زیرا مصرف فرآورده‌های گل‌گزنه سفید موجب می‌گردد که مدفوع بیرنگ اینگونه اشخاص، بر اثر دفع صفر، دارای رنگ طبیعی شود.

پزشکان مجربی مانند Dr. K. Kahnt در سال ۱۹۰۶، Dr. Bohn در سال ۱۹۳۷ و Wasilky در ۱۹۳۳، نه تنها غالب موارد مذکور را تأیید نمودند بلکه ضمن تأیید آنکه فرآورده‌های این گیاه اثر سخدر ملایم دارد، تنظور آنرا در رفع بیخوابی، ضعف شنوائی، اضطراب و تحریکات داخلی مؤثر دانسته‌اند.

در استعمال خارج، اثر دادن جوشانده آن بر روی عضو، سبب رفع آماس‌ها، تومورها، واریس و دردهای تفرسی می‌گردد. اثر دادن گرد خشک گیاه بر روی زخمهای ملتهم، سبب بهبود آنها می‌شود.

صهور داروئی - دم کرده ۱ تا ۳ گرم گیاه در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز (در بیماریهای دستگاه تنفس می‌توان مقدار مذکور را توأم با فرآورده‌های گزنه معمولی مصرف کرد) - گردگل به مقدارثلث تا نصف قاشق چایخوری، مخلوط در غذا به عنوان تصفیه‌کننده خون - مخلوط ۱۰ گرم تنظور گیاه کامل با ۵ گرم شربت ساده و ۲ گرم آب به مقدار یک قاشق قهوه‌خوری در هر نیم‌ساعت جهت رفع خونروی برونش‌ها، اخلاط‌خونی، خونروی در فواصل قاعدگی و رفع ترشحات زنانگی و ادامه آن پس از رفع خونروی به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر ۳ ساعت - الکلاتور اعضای تازه گیاه به مقدار ۵ تا ۲ گرم برای رفع خونروی به دفعات ۳ قطره در هر نیم ساعت.

محل رویش - نواحی کوهستانی شمال تهران در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری، کرج،

شمیرانات، کندوان، پل زنگوله در ارتفاعات ۲۴۰۰ متری، نواحی شمالی ایران، گیلان: شمال هرزیل، جنگل نودی، عمارلو، راه کبوتر چاک به زردچین (محمد دربندی)، داماش، رودبار در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری، ناحیه‌ای به نام مانده جو، آستارا، بندرگز، آذربایجان، کوه سهند، زنجان در ۲۰۰۰ متری، دیلمان و ارسباران (۱).

Lamium maculatum L.

فرانسه: Lamier tacheté، L. maculé، انگلیسی: Spotted dead - nettle

آلمانی: Gefleckte Taubnessel ایتالیائی: Milzadella، Lamio scritto

عربی: حرف ابیض (Hhuruf abyad)

گیاهی علفی و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر است. در غالب نواحی اروپا، شمال و جنوب غربی آسیا و در الجزیره می‌روید. برگهای متقابل با ظاهر مثلث شکل، دنداندار، به رنگ سبز با لکه‌های سفید یا سیاه (علت وجه تسمیه گیاه) دارد. گل‌های آن به رنگ گلی یا بندرت سفید و مجتمع به تعداد ۴ تا ۱۵ تائی درکناره برگهای فوقانی ساقه است. از اختصاصات آن این است که در بعضی نواحی همراه با گزنه سفید در یک منطقه دیده می‌شود. به علت زیبا بودن نیز در بعضی نواحی اقدام به پرورش آن نموده موفق به به دست آوردن نمونه‌هایی با گل‌های درشت‌تر و ظاهری زیباتر گردیده‌اند.

اختصاصات درمانی این گیاه تقریباً شبیه‌گزنه سفید و گونه‌های دیگری است که شرح داده می‌شود. دارای اثر قابض، ضد خونروی، ضد نزه، رفع خنازیر، رفع اسهالهای ساده و خونروی در فواصل قاعدگی است بعلاوه تصفیه‌کننده خون و از بین برنده التهاب است. صور داروئی آن شباهه گیاه قبلی است.

محل رویش - این گیاه در نواحی شمالی ایران مانند آذربایجان ارتفاعات سهند، دیلمان (کوه کارنارو) وغیره می‌روید ولی پراکندگی آن به پایه گونه قبلی نمی‌رسد (فلورا - ایران). در بعضی دیگر از کتب علمی وجود این گیاه در ایران تأیید نشده است (فلورا - ایرانیکا).

۱- در فلورا - ایرانیکا، به جای گیاه مذکور دو گونه فرعی یکی subsp. album و دیگری subsp. crinitum Mennema با پراکندگی در نواحی شمالی، غربی و جنوبی ایران ذکر شده است با این تفاوت که پراکندگی گونه فرعی دوم به حالت وسیع‌تر در مناطق مذکور و بعلاوه در نقاط دیگر مانند تهران، کوه‌های توچال، شیرستانک، شمیران دماوند، آبگرم، رنه، قزوین و شاهرود - بسطام نیز وارد شده است.

L. purpureum L. * گیاهی است کوچک و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر که غالباً در مزارع یافت می‌گردد. برگهای متقابل بادبرگ دراز (برگهای واقع در قاعده ساقه) و گلهای کوچک و ارغوانی رنگ دارد. در غالب نواحی اروپا، سیبری، جنوب غربی



ش ۲۳ - *Lanium maculatum* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

آسیا و شمال افریقا می‌روید. گلهای آن نوش فراوان نیز فراهم می‌آورد و مورد توجه زنبور عسل می‌باشد.

خواص درمانی آن شبیه‌گونه‌های قبلی است. بیشتر به عنوان قابض، ضد نزله، التیام‌دهنده و رفع خنازیره کار می‌رود.

محل رویش - این گیاه در نواحی شمالی ایران مانند مازندران، در جنگل بین‌سرداب و دیلمان می‌روید.
به عربی آنرا، **قریص احمر** (Qurrays...) و **المنتنه** (Almuntinah) گویند.

Lamium Galeobdon Crantz.

فرانسه : *Lamier galéobdon* ، *Ortie jaune* ، انگلیسی : *Yellow dead - nettle*

آلمانی : *Gelbe goldnessel*، *Goldtaubnessel*، ایتالیایی : *O. morta*، *Otrica gialla*

عربی : حرف اصفر (Hhurf assfar)

گیاهی علفی، دارای بوی ناپسند و ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر است. برگهای بیضوی با دندانه‌های مضاعف و گلهای زرد رنگ در کناره برگها دارد. در غالب نواحی اروپا، ایران، سیبری و قفقاز می‌روید.

خواص درمانی آن شبیه‌گونه‌های قبلی است. از آن به عنوان مدر، التیام‌دهنده، آرام‌کننده، قابض و رفع نزله استفاده می‌شود.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان : بین اسالم و خلخال در ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ متری، دامنه‌های کم ارتفاع البرز مشرف به دریای خزر، مازندران : کلاردشت (فلور - ایران).

Marrubium vulgare L.

M. apulum Ten. ، *M. anisodon* C. Koch.

فرانسه : *Bonhomme* ، *Marrube blanc* ، *M. commun* ، *Marrube vulgaire*

انگلیسی : *Marvel* ، *White - Horehound* ، *Common - Horehound* ، *Horehound*

آلمانی : *Mauerandorn* ، *Gemeiner Andorn* ، *Weisser - Andorn* ، *Andorn*

ایتالیایی : *Marrobbio bianco* ، *Robbio* ، *Erba apiola* ، *Marrobbio* ، *Marrubio*

عربی : فراسیون اییض ، شریر (Sharir) ، حشیشه‌الکلب

گیاهی است علفی، پایا، پر برگ و دارای اعضای هوایی پوشیده از کرکهای پنبه‌ای به رنگ خاکستری سفید که ارتفاع ساقه آن به تناسب محیط زندگی و طرز اجتماع پایه‌ها، به ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر می‌رسد. در اماکن بخرویه، کنار جاده‌ها و نواحی بایر غالب نواحی اروپا، شمال افریقا، جزایر قناری و در آسیا و ایران می‌روید. در کوهستانها، تا ارتفاعات متوسط

بالا می‌رود. از مشخصات آن این است که ساقه راست، منشعب، پوشیده از کرکهای پنبه‌ای و برگهای متقابل، ساده و بیضوی دارد. گلهای آن که به‌وضع مجتمع در کناره برگهای قسمت انتهائی ساقه ظاهر می‌شود، به رنگ سفید است. پرچمهای آن در داخل لوله جام به‌وضع نهفته قرار دارد و از یک حلقه تار محاصره‌گردیده است بطوری که نوش‌گل را نیز در مقابل حشرات کوچک محافظت می‌کند. زنبور عسل از نوش آن نمی‌تواند بهره‌برداری نماید.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و سرشاخه‌های گلدار آن است که بوی قوی و نسبتاً مطبوع دارند ولی پس از خشک شدن فاقد بوی می‌شوند. طعم آنها تند و تلخ و با احساس گرما همراه می‌باشد. کلیه قسمت‌های گیاه و همچنین شیره تازه آن به مصارف درمانی می‌رسند. کشت این گیاه که ماروب بلان (Marrube blanc) نامیده می‌شود در صورت لزوم، به‌سهولت از طریق بذر افشانی، در فروردین‌ماه انجام می‌گیرد.

ترکیبات شیمیائی - دارای تانن، مواد چرب، موسیلاژ، مواد رزینی، گلوکز، یک‌ساده تلخ به نام ماروبی‌ئین Marrubiine و به مقدار ۰.۵۰ ر. درصد اساس است.

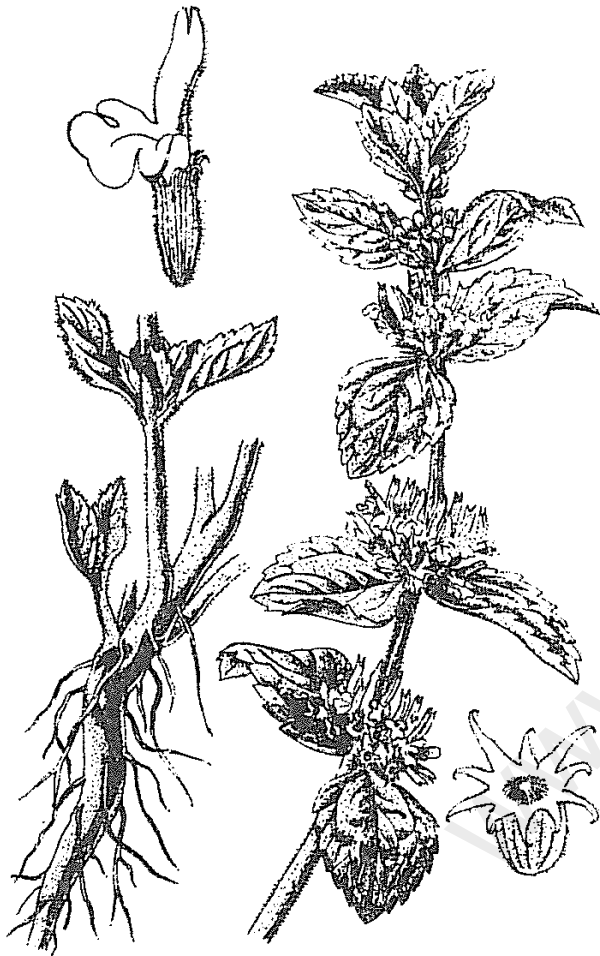
ماروبی‌ئین، نوعی دی‌ترین لاکتون (Diterpene lactone) به فرمول $C_{24}H_{38}O$ و به وزن ملکولی ۳۳۲٫۴۲ است. توسط محققین مختلف از گیاه مذکور به دست آمده است (1). نظریه‌برخی بر آنست که ماروبی‌ئین، از Premarrubiine، در زمان استخراج این ماده از گیاه مذکور نتیجه می‌شود (2). تعیین فرمول نسبت و استرئوشیمی آن توسط Crocker و همکارانش (در سال ۱۹۵۳) و همچنین محققین دیگر انجام گرفته است.

ماروبی‌ئین، در الکل به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۱۰۰ درجه ذوب می‌شود. هر گرم آن در ۶۰ میلی‌لیتر الکل ولی به مقادیر زیاد در کلروفرم، استن، الکل گرم و پیریدین محلول است. در اثر و بنزن به مقدار کم محلول ولی در آب عملاً حل نمی‌شود.

استفاده از این گیاه از قدیم‌الایام در نواحی امریکای شمالی، به صورت نوعی ماده قندی بین مردم معمول بوده است بطوریکه آنرا جهت رفع درد گلو و درمان سرفه بکار می‌برده‌اند. بومیان بعضی نواحی امریکا مانند ناحیه‌ای به نام Cahuilla، آنرا به صورت چای و به‌عنوان یک ماده مدر جهت شستشوی کلیه مصرف می‌کردند ضمناً بطوریکه بررسی بعمل آمده، هنوز هم از اعضای این گیاه که به‌علت دارا بودن اسانس، عطری مخصوص دارد به‌حالت تازه یا خشک شده مانند نعناع استفاده به‌عمل می‌آید و برای اینکار، معادل یک فنجان از

گیاه تازه و یا ۱/۴ فنجان از گیاه خشک شده را به مدت ۱۰ دقیقه در ۲ لیوان آب می‌جوشانند و محلول صاف شده حاصل را با هم‌حجم خود آب مخلوط کرده مصرف می‌نمایند (Clark, 1972).

خواص درمانی - مقوی معده، مدر، اشتها آور، نیرو دهنده، خلط آور، ضد عفونی کننده،



ش ۲۴ - Marrubium vulgare : دو قسمت از گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)
گل، میوه

1 - Harms, Arch. Pharm. 83. 144 (1842); Nicholas, J. Chem. Sci. 53, 895 (1964).

2 - Hendetson, McCrindle, J. Chem. Soc. (C) 1969, 2014.

صفرابر، مقوی قلب، تب‌بر و قاعده‌آور است. مصرف مقادیر زیاد آن، جریان‌گردش خون را تحریک کرده موجب زیاد شدن عرق و ترشح ادرار می‌گردد. از این جهت نباید بی‌رویه بکار رود.

در استعمال خارج، اثر التیام‌دهند و ضدعفونی‌کننده دارد و از آن برای مداوای زخم‌های چرکین استفاده می‌شود.

فرآورده‌های این گیاه بیشتر به عنوان مقوی به اشخاص مبتلا به ضعف عمومی ناشی از کبرس و یا ضعف بنیه داده می‌شود و برای افرادی نیز که هاضمه ضعیف دارند و همچنین برای بیماران مبتلا به اسهال‌های مزمن، تب‌های مخاطی، حصبه، شبه حصبه، آسم سرطوب، نزله‌های مزمن برونش‌ها، نزله‌های ششی، ذات‌الجنب مزمن، سرفه‌های مقاوم، کم‌خونی دختران جوان، زردی، اسکوریوت، خنازیر، ترشحات زنانگی (ترشحات سهیلی)، هیستری، اختلالات عصبی، تب‌های نوبه، مالاریا و تأخیر قاعدگی تجویز می‌گردد.

سابقاً از آن، جهت رفع خیز اندام‌های بدن، عدم دفع ادرار، وجود سنگ در دستگاه دفع-ادرار، انسداد مجاری کبد و طحال، استفاده بعمل می‌آمده است.

بررسی‌های L. Vannier و E. Garnier در سال ۱۹۱۴ نشان داده که مصرف آن در بیماران مبتلا به حصبه و شبه حصبه سبب می‌گردد که درجه تب بطور محسوس پائین آید تا حدی که بکلی قطع شود و بعلاوه حالت عمومی مریض ضمن کوتاه شدن دوره بیماری، بهبود یابد.

تجربیات Dr. H. Leclerc که در فاصله سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۹ صورت گرفت نشان داد که مصرف فرآورده‌های این گیاه می‌تواند کمک مؤثر در رفع بیماری‌های مربوط به برونش‌ها و عوارض ریوی ناشی از گریپ بنماید ضمناً آزمایش‌های متعدد این دانشمند نشان داد که مصرف فرآورده‌های این گیاه موجب تغییر حالت بیوشیمی مخاطها می‌شود که نتیجه‌اش رقیق‌گردیدن و ضدعفونی شدن ترشحات و سهولت دفع آنها از ریه می‌گردد. با انجام این عمل سرفه بیمار نیز آرام و بکلی قطع می‌شود.

فرآورده‌های این گیاه دارای اثر مقوی معده و محرک اشتهاست و از آن می‌توان در بیماران سسلول استفاده بعمل آورد.

بررسی‌های W. Ripperger در سال ۱۹۳۷ نشان داد که این گیاه دارر رفع بی‌نظمی حرکات قلب در اکستراسیستولی، اثر سریع دارد بعلاوه به علت صفرابر بودن، اثر ضدسم نیز دارا می‌باشد.

در استعمال خارج، اثر التیام‌دهنده و ضدعفونی‌کننده دارد و به همین علت جوشانده آن بر روی اولس‌های غانق‌رایائی و چرکین اثر داده می‌شود.

صورداروئی - دم کرده ۴ تا ۵ گرم برگ یا سرشاخه‌گلدان گیاه در یک لیتر آب (مدت دم کردن ۱۵ دقیقه) به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز - شیره تازه گیاه به مدت ۳۰ تا ۱۰۰ گرم در روز مخلوط در عسل یا شیر - شراب حاصل از خیساندن ۳ گرم گیاه به مدت ۱۵ روز در یک لیتر شراب سفید به مقدار یک لیوان ۷۵ سانتیمتر مکعبی در روز بعد از هر غذا - گرد برگ گیاه به مقدار ۴ تا ۸ گرم در روز مخلوط در یک محلول ساده - جوشانده ۳ تا ۶ گرم سرشاخه‌گلدان گیاه در یک لیتر آب برای استعمال خارج.

باید توجه داشت که مقادیر کم فرآورده‌های این گیاه باید برای بیماری‌های ریوی ولی مقادیر نسبتاً زیادتر آن برای رفع تب مانند تب تیفوئید و غیره اختصاص داده شود.

اسانس این گیاه در بعضی نواحی جهت معطر ساختن آبجو و برخی لیکورها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نسخه جهت درمان سرفه و خروج اخلاط

عصاره نرم ماروب - بلان	۳	گرم
شریت ساده	۲۰۰	»

عصاره را با شریت ساده به خوبی مخلوط کرده به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری در روز به عنوان یک داروی خلط‌آور مصرف نمایند.

محل رویش - تهران، در ارتفاعات ۱۱۰ متری، قزوین، سمنان - داسغان در نزدیکی چشمه علی در ۱۵۰ متری، شاهرود - بسطام، نواحی مختلف البرز، کرج، گرگان، گنبد کاووس، مازندران: جنوب آمل، بایلسر، ساری، هزارجریب، کجور و زانوس، دره چالوس، هزارچم، سرداب رود، گیلان: ایسیلی بیلاق، نواحی شمالی ایران، لاهیجان، بندرگز، جنوب و جنوب غربی ایران، اراک، تفرش، کرمان، کوه سیرج در ۲۸۰ متری، سمنان، بین بشم و سرخه در ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ متری، خراسان: بین مشهد و قوچان در ارتفاعات ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ متری، باجگیران، بین بجنورد و مراوتپه و شریف‌آباد (در مشهد)، کرمان: کوه جبل بارز، بین جیرفت و درزین.

Z. persica Bge, **Ziziphora tenuior** L. (کاکوتی) - گیاهی است علفی، یکساله و دارای ساقه کوتاه به ارتفاع ۵ تا ۱۵ سانتیمتر که در غالب نواحی ایران پراکندگی دارد. برگ‌های آن باریک، نوک تیز و دارای میان‌گره‌های کوتاه است. گل‌های کوچک، بدرنگ

بنفش کمرنگ یا بنفش مایل به ارغوانی دارد .

خواص درمانی - خلط‌آور، بادشکن و مقوی معده است. در بعضی نواحی از مخلوط گرد دانه آن در عسل، جهت درمان دیسانتری استفاده می‌شود. در ایران گرد برگ آن جهت معطر کردن اغذیه به کار می‌رود و آنرا به دوغ می‌زنند.

کاکوتی به حالت وحشی در منطقه وسیعی از ایران مانند نواحی مختلف البرز، مغرب ایران، کرج، پل جاجرود، جنوب غربی تهران، سیاه کوه، دوشان تپه، نواحی شمالی ایران؛ منجیل، آذربایجان، تبریز و اطراف آن، اصفهان، خراسان، دامغان، سمنان، سرخه در ارتفاعات ۱۶۰۰ متری، حاشیه کویرهای سیله، نزدیک شیراز، جنوب غربی ایران، از نادر ۱۸۰۰ متری، راجرد (قم)، همدان، بلوچستان : سرحد، زنجان و غیره می‌روید.

Z. clinopodioides Lam. Var. *rigida*. Boiss. که در منطقه وسیعی از نواحی مختلف ایران، ارتفاعات البرز: ۲۰۰۰ متری عمارلو، راه بین کبوترچاک به پاکده (رامین زرگری)، نواحی، غربی، جنوبی و شرقی ایران می‌روید، به مصارف مشابه نظیر تقویت معده و رفع درد و ناراحتی‌های آن می‌رسد و اهالی محل نیز از آن به صورت دم کرده استفاده بعمل می‌آورند (۱). در بلوچستان، از گیاه خشک شده جوشانده‌ای جهت رفع تب در بیماری تیفوس تهیه می‌شده است و علاوه خیسانده گیاه در آب، جهت رفع ناراحتی‌های قلبی در صبح ناشتا بکار می‌رفته است.

Ballota nigra L.

B. foetida Lam. ، *B. aristata* Reichb.

فرانسه : Marrube fétide ، Ballote puant ، Ballote noir ، Ballote fétide

انگلیسی : Stiking - Horehound ، Foetid - Horehound ، Black - Horehound

آلمانی : Schwarze bulte ، Zahnlose ، Schwarze - Ballotte ، Stinkandorn

ایتالیائی : M. nero ، M. bastardo ، Cimiciotto ، Marrobio fetido ، Ballote

عربی : بلوطه (Ballûtah) ، سندیان الارض (Sindiyân el ard) ، فراسیون اسود

گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر که به حالت وحشی در کنار جاده، پای دیوارها و حاشیه مزارع غالب نواحی اروپا، شمال افریقا و مغرب آسیا منجمه ایران می‌روید. از مشخصات آن این است که ساقه پوشیده از کرک، چهارگوش، منشعب و برگهای نرم، بیضوی یا مدور یا پهنک منقسم به شبکه‌ای از رگبرگها دارد. گل‌های

۱ - بررسی هیأت علمی رشته گیاه شناسی دانشکده داروسازی دانشگاه تهران در سالهای

۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ در منطقه عمارلو.

آن که در قسمت انتهائی ساقه، در کنار برگها مجتمع می‌گردد. به رنگ ارغوانی یا گلی و بندرت سفید است و آنچه که در تشخیص آن مداخله می‌نماید، وجود تارهای سفید رنگ به وضع خوابیده در سطح خارجی لب فوقانی جام گل آن است.

از نکات قابل ذکر آنکه در بین پایه‌های این گیاه، نمونه‌هایی با مشخصات غیر طبیعی



ش ۲۵ - *Ballota nigra* : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل کاسل، جام گل، پرچم

یافت می‌شود بطوری که گیاه، به صورت گونه دیگری جلوه می‌کند مانند نمونه‌هایی که در آنها کاسه و جام گل از عقطع و یا نافه گل از تعداد زیادی پرچم تشکیل می‌یابد. زنبور عسل از گل‌های نسبتاً درشت آن، نوش مایع از نوع مرغوب به دست می‌آورد.

از ساقه برگدار این گیاه بر اثر مالش دادن، بوی قوی و نامطبوع استشمام می‌شود. قسمت مورد استفاده گیاه نیز سرشاخه‌های گلدار و یا کلیه اندامها و شیره حاصل از آنهاست.

ترکیبات شیمیائی - در اعضای این گیاه وجود ماده‌ای به نام مارویی تین Marrubiine، تانن‌های پیروگالیک و کاتشیک، یک گلوکوساپونین خنثی که از تجزیه آن، گلوکز و رامنوز حاصل می‌شود، یک گلوکزید فلاوونیک، کولین (Choline) و ترکیبات اسید دار محقق گردیده است (Balansard).

خواص درمائی - مقوی، مقوی معده، ضد تشنج، آرام کننده، تصفیه کننده خون، مدر، قاعده آور و ضد کرم است. در رفع ناراحتی‌های عصبی نیز اثر قاطع دارد و فقط از معایب آن این است که بوی ناپسند دارد. طعم بد فرآورده‌های آنرا باید با مخلوط کردن آنها با مواد معطر و یا خوش طعم، مخفی نمود.

Dr. H. Leclerc، از آن نتایج مطلوب در رفع اختلالات عصبی زنان یائسه، مبتلایان به هیستری، حالات اضطرابی، احساس صداهای مبهم در گوش، بی‌اختیاری دفع ادرار منشاء عصبی و سیاه سرفه به دست آورد. مصرف آن در سیاه سرفه باعث می‌گردد که تعداد سرفه و شدت آن کاهش حاصل کند بعلاوه بطوری که Glazin بررسی نموده، در دفع کرمهای آسکاریس و کرمک، اثر قاطع ظاهر سازد. فرآورده‌های این گیاه بعلاوه اثر مدر دارد و از آنها جهت رفع آب آوردن انساج، نقرس و رماتیسم نیز استفاده بعمل می‌آید.

بررسی‌های Ray و Boerhave نشان داد که مصرف این گیاه موجب تسکین دردهای عصبی و آرامش حالت حمله و مایخولیائی می‌شود.

در استعمال خارج، سابقاً از آن برای رفع کچلی و معالجه بیماریهای پوستی مختلف استفاده بعمل می‌آمده است.

صورت داروئی - شیره تازه یا الکل‌تورگیاه به مقدار یک قاشق قهوه‌خوری، شب موقع خواب به منظور رفع بیخوابی - الکل‌تورگیاه به مقدار ۲ تا ۴ قطره جهت رفع دردهای عصبی و حالات اضطرابی ناشی از ترس - دم کرده ۱۰ تا ۳۰ گرم گیاه در یک لیتر آب و معطر ساختن آن با نعناع، بادرنجبویه، رازیانه و غیره به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز قبل از غذا - جوشانده ۳ تا ۶ گرم گیاه در یک لیتر آب بطوری که محلول به نصف حجم اولیه تقلیل یابد، جهت رفع رماتیسم و نقرس، به صورت مالیدن بروی عضو در استعمال خارج.

محل رویش - غالب نواحی غربی ایران مخصوصاً آذربایجان، در ناحیه‌ای به نام باسنج و چاهریک در دیلمان، نزدیک ساکو، کالیبار در ارتفاعات ۱۲۰ متری، شمال غربی -

ارومیه، قشلاق در کوههای قره‌داغ، دره قاسملو، شمال ایران، گرگان: نهارخوران در ارتفاعات ۴۰ متری، مازندران: جنوب چالوس در ارتفاعات ۱۰۰ متری.

* *Ballota lanata* L.

Leonurus lanatus Pers.

گیاهی است علفی، معطر و پوشیده از تارهای کرک مانند که در سیبویه پراکنندگی دارد و در بعضی نواحی آلمان پرورش می‌یابد. دارای تانن، یک ماده رزینی تلخ و معطر (پیکروبالوتین picroballotine)، یک ماده موم مانند، اسلاح مختلف و غیره است (Orcésie). مصرف جوشانده ۱ گرم آن در ۱۰۰ میلی‌لیتر آب که حجم آن با ادامه جوشاندن، به نصف تقلیل یابد، به عنوان یک داروی بسیار مفید جهت درمان نقرس توسط پزشکان آلمانی توصیه شده است. این جوشانده، اثر معرق، مدر و دفع اسیداوریک دارد بعلاوه از آن، جهت درمان رماتیسم، آب آوردن انساج بدن (هیدروپیزی) نیز می‌توان استفاده بعمل آورد. طبق اظهار نظر Rehman، اگر به این جوشانده پوست نارنج و استرنیتریک افزوده شود، اثر مفیدتر ظاهر می‌کند.

در ایران نمی‌روید.

Nepeta Cataria L.

N. vulgaris Lam.، *Cataria vulgaris* Moench.

فرانسه: Herbe aux Chats، Menthe de Chat، Chataire، Cataire

انگلیسی: Common - Nep، Catmint، Catnep، ای‌تالیائی: Gattaia

آلمانی: Nepte، Echtes Katzenkraut، Echte Katzenminze

عربی: حشیشه‌الهر، قطرم، فافذنج جبلی (Fáfhang gabalf)

گیاهی است پایا و دارای ساقه چهارگوش، منشعب و به ارتفاع ۱۰ سانتیمتر تا یک متر که در اماکن سایه‌دار، کنار جاده‌ها، قبرستانها و حاشیه مزارع غالب نواحی اروپا و برخی مناطق آسیا مانند ایران، افغانستان، قفقاز، و هندوستان می‌روید. در آمریکا بر اثر پرورش‌های متوالی حالت بومی پیدا کرده بطوریکه در ایالت کارولینا و جنوب جورجیا تا لوئیزیانا، پراکنندگی یافته است. برگهائی بیضوی، نوک تیز بادندانه‌های بزرگ و گلهاائی سفید رنگ و مجتمع به وضع فراهم در قسمت انتهائی ساقه دارد بعلاوه از نظر کلی شبیه بادرنجبویه است با این اختلاف که کاسه گل آن، بخلاف بادرنجبویه از ۱۰ تقسیم دراز و نوک تیز تشکیل می‌یابد و این

خود یکی از وسایل تشخیص و تفکیک آن از گیاه اخیر می‌باشد. این گیاه در بعضی کشورها، علف‌گره خوانده می‌شود. علت این وجه‌تسمیه نیز آن است که گربه علاقه مفراط به بوی آن که شبیه والرین است دارد و به سمت آن جلب می‌شود بطوری که پس از نزدیک شدن به گیاه بر روی آن می‌غلطد و باولعی آنرا می‌بلعد و خاتماً با ادرار خود آنرا برطوب می‌سازد و حتی چنین شهرت دارد که گربه از این گیاه در درمان بیماریهای خود استفاده بعمل می‌آورد. این گیاه در ردیف انواع سولد عسل جای دارد و سابقاً نیز باین منظور و یا برای مصارف درمانی، پرورش می‌یافته است.



ش ۲۶ - Nepeta cataria : سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

قسمت مورد استفاده آن، سرشاخه‌های گلدار گیاه است.

ترکیبات شیمیائی - اسانس به مقدار ۳ درصد، مرکب از مانتول، استات متیل و نه‌پتالاکتون nepetalactone است بعلاوه وجود ماده‌ای به نام نه‌پتول nepetol، تیمول و کارواکرول نیز در آن ذکر شده است.

نه‌پتالاکتون Nepetalactone، به فرمول $C_{15}H_{14}O_4$ ، به وزن ملکولی ۲۶۶٫۲۱ و ماده اصلی تشکیل دهنده اسانس حاصل از *Nepeta cataria* L. است که توسط McElvain و همکارانش از گیاه مذکور استخراج (۱) و بعداً فرمول منبسط آن تعیین شده است (۲).

نه‌پتالاکتون، حالت روغنی و بوی مخصوص دارد و وزن مخصوص آن در گرمای ۲۵ درجه ۰٫۶۶۳ را است. در اثر و تتراکلرورکربن حل می‌شود و اگر با سود ۱۰ درصد تکان داده شود، ایجاد اسید نه‌پتالیک nepetalic acid می‌کند که به حالت متبلور به دست می‌آید.

اثر درمانی اختصاصی برای آن ذکر نشده است.

خواص درمانی - مقوی، مقوی معده، محرک، ضد تشنج، کم‌ویش ضدنزله، قاعده‌آور و ضد کرم است. اثر درمانی آن در رفع ضعف عمل دستگاه هضم، درد معده، نفخ، نزله‌های ششی و سرفه‌های مقاوم توسط Gazin، و در رفع سیاه سرفه و سکسکه توسط Dr. H. Leclerc و همچنین در رفع کم‌خونی دختران جوان، هیستری، تاخیر وقوع قاعدگی ناشی از ضعف یا بروز حالات تشنجی، توسط Chaumonton، Boecler و Gibling، مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

صورت دارویی - دم کرده ۲ تا ۳ گرم سرشاخه گلدار گیاه در یک لیتر آب جوش به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در شبانه روز - شراب ۱۰ تا ۳ در هزار گیاه به مقدار یک لیوان کوچک با هر غذا - شربت حاصل از دم کردن ۱ گرم سرشاخه گلدار گیاه در ۱۰ گرم آب جوش به مدت ۲ دقیقه و افزودن ۵ گرم قهوه سبز و صاف کردن و اضافه کردن قند و تغلیظ آن به حدی که به غلظت شربت درآید، به مقدار یک قاشق سوپخوری در هر ۲ ساعت.

در استعمال خارج، جوشانده ۱۰ در هزار گیاه به صورت لوسیون، کمپرس، تنقیه، پاشویه و بخور دادن به کار می‌رود. جویدن برگهای تازه گیاه، به منظور رفع درد دندان بین مردم معمول است.

بهداشت پوست

مقدار یک مشت از برگ و سرشاخه‌های گلدار گیاه را در ظرفی وارد کرده معادل نیم لیتر آبجوش بر روی آن بریزید و به حال خود بگذارید تا سرد شود. محلول حاصل را سپس به پوست سر به مدت چند دقیقه مالش دهید بعداً پوست سر را با آب نسبتاً گرم که کمی آب لیموی

1 - McElvain et al., J. Am. Chem. Soc. 63, 1558 (1941).

2 - McElvain, Eisenbraun. J. Am. Chem. Soc. 77, 1599 (1955).

تازه به آن افزوده‌اید بشوئید. با این عمل پوست سر تمیز شده شوره آن از بین می‌رود.
این گیاه مخلوط با ۳ گیاه زیر، تحت نام (Especies antispasmodiques) به‌عنوان ضد-
تشنج، از قدیم‌الایام مورد استفاده مردم قرار داشته، فرمول آن در کتب داروئی وارد می‌باشد:

Nepeta cataria	۱۰۰ گرم
لاواند	» ۵۰
ریحان	» ۱۰۰
بادرنجبویه	» ۱۰۰

از مخلوط اعضای گیاهان فوق (به‌مقدار کافی) برداشته دم کرده‌ای تهیه می‌کنند و از آن برای رفع سرفه‌های تشنجی در سیاه سرفه استفاده بعمل می‌آورند.

محل رویش - گُرگان : رباط‌قلق، سازندران : دره چالوس در ۱۱۰۰ متری، دره‌تالار در نزدیکی گدوک در ارتفاعات ۲۰۰۰ - ۲۲۵۰ متری، سنگ ده ، ۳ کیلومتری جنوب شرقی پل سفید در ۲۰۰۰ - ۲۲۵۰ متری، بین عباس‌آباد و شاهی سابق در ۴۰۰ متری، آذربایجان : چلیل‌کوه در شمال رازنان در ۱۸۰۰ - ۲۰۰۰ متری، کرمانشاه : ریجاب، بین شالان و دالاهو در ۳۰ متری، کردستان : Avihang در ۲۱۰۰ متری، کرمانشاه : ریجاب، بین شالان و دالاهو در ۱۰۲۰ - ۱۸۰۰ متری، لرستان : بیشه در ۵ کیلومتری شمال خرم‌آباد (در ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ متری). باغبانان، ۵۰ کیلومتری شمال شرقی خرم‌آباد به سمت سفیددشت در ۱۹۵۰ متری، فارس : ۳۰ کیلومتری اطراف شیراز به سمت اردکان، کرمان : رابور در ۲۶۰۰ متری، خراسان : بین شاهرود و نیشابور در نزدیکی سبزوار، اطراف تهران : ۶ کیلومتری مشرق فیروزکوه نزدیک قمرود بالا در ۲۵۰۰ متری، اطراف دربند، قزوین.

Nepeta glomerulosa Boiss. (۱) - گیاهی چند ساله، دارای ریزوم چوبی، و

ساقه‌ای به ارتفاع ۳۰ - ۵۰ سانتیمتر، پوشیده از تارهای سفید پشمالوست. گل‌های گلی رنگ و مجتمع به‌صورت دسته‌های کوچک فراهم و فشرده دارد. در کندوان، دماوند، اصفهان، خراسان : رباط سفید، بین شهید و تربت‌حیدریه، جنوب ایران، کرمان : کوه جوپارو بلوچستان می‌روید (فلورایران) و از آن، جهت درمان ناراحتی‌های سینه در ذات‌الریه و همچنین رفع خارش و ناراحتی‌های جلدی استفاده می‌شود.

۱ - از این گیاه، ۳ گونه فرعی در نواحی مختلف ایران ذکر گردید که از بین آنها، گونه فرعی subsp. glomerulosa در نواحی مشابه محل رویش نوع اصلی که در بالا ذکر شد، با پراکندگی وسیع‌تری می‌روید (فلورا - ایرانیکا).

*** Nepeta Glechoma Benth.**

Glechoma hederacea L. ، G. borealis Salisb.

فرانسه : Rondette ، Courrois de St. - Jean ، Terrette ، Lierre terrestre
انگلیسی : Hedge maids ، Creeping charlie ، Groundivy ، Ground - Ivy
آلمانی : Erdenkränzelein ، Gundelrebe ، Erderpheu ، Gundermann
ایتالیائی : Corona di terra ، Erba di San Giovanni ، Erba terrestre
عربی : خمیسسوس (Khamiqissous)

گیاهی است علفی، پایا، دارای ساقه خزنده یا خوابیده که جایجا از طول آن، ریشه‌های نابجا خارج و سبب می‌شود و گیاه، وضع مستحکم و پایدار در سطح زمین پیدا نماید. طول ساقه‌های هوائی آن بتفاوت ۵ تا ۲۵ سانتیمتر است.

پراکندگی آن در سطح زمین به صورتی است که در منطقه وسیعی از قاره اروپا مانند فرانسه، سوئیس، بلژیک و در بعضی نواحی آسیا مانند قفقاز، سیریه، اورال و ژاپن می‌روید ولی در ایران یافت نمی‌شود.

برگهای آن پوشیده از کرک، به شکل قلب، متقابل، به رنگ سبز تیره (گاهی قرمز مایل به بنفش) و دارای دبرگ دراز است. گل‌هایی به تعداد ۳ تا ۴ تائی، در کنار برگها و به رنگ بنفش بالکه‌های ارغوانی دارد و چون مجموعاً پس از ظاهر شدن گلها، منظره زیبا پیدامی‌کند، از این جهت در بعضی نواحی اقدام به پرورش آن می‌گردد.

زنبور عسل به‌سوی نوش گل‌های آن جلب می‌شود. بیهه آن چهار فن‌دقه‌ای، قهوه‌ای-رنگ، صاف و مدور در هر یک از چهار قطعه است.

برگ، سرشاخه‌گلدان و حتی کلیه اندام‌های گیاه به‌مصارف داروئی می‌رسد. بوی اعضای آن معطر و طعم آنها کمی تلخ ولی معطر است.

جمع‌آوری این گیاه به منظور مصارف درمانی باید در هنگام گل دادن آن صورت‌گیرد و عمل خشک شدن نیز به سرعت در مقابل نور و گرمای خورشید و یا در محلی که جریان هوا برقرار باشد انجام شود.

ترکیبات شیمیائی - بررسی‌های جدید و تازه‌ای که بتواند ترکیب شیمیائی گیاه را بطور کامل تعیین نماید هنوز بر روی آن صورت نگرفته است ولی آنچه که انجام گرفته، نشان داده است که گیاه دارای ۵ درصد تانن، مواد تلخ، کولین، صمغ، قند، نوعی رزین، سوم، اسیدهای-چرب، اسیدهای استیک، وینیک، اسلح مختلف (به‌مقدار ۳ ر. در گیاه تازه و ۴ ر. در گیاه

خشک) و اسانس با بوی مطبوع و به رنگ مایل به سبز است.

خواص درمانی - مقوی، آرام کننده سرفه و ضد اسکوربوت است. در استعمال خارج اثر التیام دهنده و رفع زخمها و جراحات دارد.

فرآورده‌های این گیاه بیشتر در رفع بیماریهای دستگاه تنفس اثر دارد بطوری که می‌توان از آن در رفع بیماریهای سینه و برونشها مخصوصاً در مواقعی که اخلاط به صورت فراوان دفع می‌گردد، استفاده بعمل آورد و درنزه‌های سزسن ششی، آسم سرطوب، برونشیت و سرفه‌های مقاوم آنرا بکار برد.



ش ۲۷ - *Nepeta Glechoma*: گیاه کامل گلدار (C. E. Zem.)

Dr. H. Leclerc، اثر اسانس فرآورده‌های این گیاه را بر روی مخاط دستگاه تنفس، شبیه زوفا دانسته، مصرف آنها را در رفع زیادی ترشحات برونشها مؤثر ذکر نموده است. در اعضای این گیاه چون به مقدار کافی تانن وجود دارد، برای سسلولین نیز مفید می‌باشد.

W. Bohn در سال ۱۹۲۷ چنین اظهار داشته که سواد مؤثر این گیاه بر روی مخاط مثانه و دستگاه تنفس و همچنین غدد واقع در ناحیه شکم اثر می‌نماید بطوری که می‌توان از

آن در بیماریهای خنازیری که با آماس غدد ناحیه شکم همراه باشد و همچنین در رفع چاقی، ضعف عمل مثانه و مستعد بودن برای ابتلای به نزله‌ها، استفاده بعمل آورد. مصرف شیره گیاه به مقدار چند قطره در کودکان به منظور رفع قولنجها و دل پیچه توصیه شده است. سابقاً از این گیاه برای رفع بیماریهای مختلف مانند ترشحات سهلی، کرم امعاء، ضعف معده، سوء هضم، نفخ و غیره استفاده بعمل می‌آمده است. برگهای تازه گیاه اثر کم کننده مقدار قند خون دارد.

در استعمال خارج، جوشانده آن به صورت ضماد یا لوسیون و یا گرد آن، برای اثر دادن بر روی زخمها و اولسره‌های مقاوم به کار می‌رود و یا پس از افزودن مقداری سرکه به آن، و تأثیر دادن بر روی محل دردناک نقرس، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از شیره تازه گیاه که در بهار به دست آمده باشد، نوعی پماد تهیه می‌گردد که در رفع اولسره‌های خنازیری و علاج و التیام آنها و رفع سوختگیها اثر مفید ظاهر می‌کند.

صور دارویی - دم کرده ۱۰ تا ۲۰ گرم سرشاخه گلدار گیاه در یک لیتر آب به مقدار ۳ تا ۴ فنجان در روز - شیره تازه گیاه به مقدار ۳ تا ۸ گرم مخلوط در یک تیزان یا شراب - شربت حاصل از مخلوط کردن یک قسمت شیره گیاه در یک قسمت شربت ساده به مقدار ۲۰ تا ۶۰ گرم به حالت معمولی و یا به صورت رقیق شده در یک مایع گرم - الکلاتور به مقدار ۲ قاشق قهوه خوری در روز - گرد برگهای خشک گیاه به مقدار ۲ تا ۴ گرم مخلوط در یک تیزان یا شراب - دم کرده ۳۰ تا ۸۰ گرم گیاه در یک لیتر آب جهت تهیه محلولهای شستشو، کمپرس و یا تهیه لوسیون - ضماد حاصل از برگ و سرشاخه گلدار برای تأثیر دادن بر روی زخم و جراحات در ایران نمی‌روید.

بعضی از گیاهان تیره نعناع میوه‌های روغن دار قابل استفاده در درمان بیماریها و یا در صنعت دارند و مهمترین آنها به شرح زیر می‌باشند:

۱ - *Lallementia iberica* (M. B.) Fisch. - گیاهی یکساله، تقریباً بی کرک و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر است. در منطقه وسیعی از آسیای صغیر و ایران نیز پراکندگی دارد. برگهای متقابل و دندانه‌دار و گل‌هایی آبی رنگ و بندرت مایل به زرد روشن دارد. از مشخصات آن این است که پهنک جام‌گل آن کوچک و دارای ظاهری مشخص است. از میوه این گیاه، نوعی روغن خشک شونده تهیه می‌شود که به مصارف تغذیه در روسیه می‌رسد. در ساختن ورنی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این گیاه به حالت وحشی در نواحی مختلف البرز، کلاک (کرج)، نواحی شمالی ایران، ایسپیلی ییلاق، جاده قزوین، آذربایجان، تبریز، ارومیه و اطراف آن، مشکین شهر، کوه‌های

سهند، زنجان، بند در ۱۶۰۰ متری، بین خلخال و اردبیل، خوی، مغرب ایران، کوه‌گرو، سیلاخور، کوه‌های تفرش، شاه‌زند، الوند، قصرشیرین در ارتفاعات ۱۲۰۰ متری، کرمانشاه، بیشه (لرستان)، اصفهان و شیراز می‌روید (فلورایران).

۲ - *LaHementia Royleana Benth.* - گیاهی یکساله و دارای ساقه راست، به حالت ساده یا منشعب و به ارتفاع ۱۰ - ۴۰ سانتیمتر است. برگهای دراز، نوک‌تیز، دنداندار، منتهی به دمبرگ نسبتاً دراز و گل‌های آبی یا برنگک یاسی روشن دارد. دانه‌اش جهت رفع خورنری لته‌ها، بیماریهای روانی، تقویت کبد و همچنین به عنوان مقوی‌بام مصرف می‌شود (yunani).

این گیاه پراکندگی وسیع در نواحی مختلف ایران دارد، مانند آنکه در گرگان، گنبد، کاووس، سازندران، سیاه‌بیشه در دره‌هراز، کردستان، نزدیک بیجار، همدان، بهار، اصفهان، بین اصفهان و دلیجان، فارس، شیراز، تخت‌جمشید نزدیک ساغان، کرمان، باغ‌شاهزاده نزدیک ساغان در ۲۰۰ متری، کوه جبل‌بارز، بین بزم و جیرفت، لارستان، حاجی‌آباد نزدیک طارم، جنوب شرقی لار، بلوچستان، خاش، ۱۰۰ کیلومتری جنوب زاهدان به سمت خاش، مکران، بازن، بشاگرد، سیستان، مشرق دشت‌نوت، بین نه و زاهدان، خراسان، نیشابور، جنوب سزووار، ازبگو، کوسفید، گناباد، شمال کاشمر، اطراف تهران، قم، بین تهران و دلیجان، جنوب غربی تهران به سمت ساوه، قزوین، کلاک، شاهدشت در جنوب کرج، پاچنار، جنوب غربی دشت کویر، سیاه‌کوه، کاروانسرای شاه‌عباسی، سمنان - دامغان: چشمه‌علی، یزد: جندق می‌روید.

۳ - *Perilla frutescens Britt.* * - گیاهی یکساله، پوشیده از کرک و تارهای پنبه‌ای، به ارتفاع ۰.۵ تا ۰.۷ متر و دارای برگهای متقابل، دمبرگ دار، بیضوی، نوک‌تیز و باکناره دنداندار است. گل‌های کوچک، به رنگ سفید یا بنفش و میوه مدور به قطر ۳ میلی‌متر دارد. در آسیا، چین، ژاپن، لائوس، تایوان، نواحی شمالی ویتنام، هند و برمه می‌روید.

برگ و دانه‌اش، طعم‌تند و بوی معطر دارند و به مصارف درمانی مختلف می‌رسند.

ترکیبات شیمیائی: اعضای مختلف گیاه دارای ۰.۷ درصد اسانس مرکب از پینن چپ، لیمونن راست، پری‌لانین Perilanine و نوعی الئید به نام پریلاآلدئید perilla aldehyde یا perillaldehyde است. دانه‌اش دارای گلیسریدهای اسید لیتولیک، اولئیک و پالمیتیک می‌باشد.

پری‌لال‌دهید Perillaldehyde، به فرمول $C_{15}H_{14}O$ و به وزن ملکولی ۲۱۰.۱۰

است. در گیاه مذکور وجود دارد. استخراج آن از *P. arguta Benth.* توسط Zaar و Semmler (1) ولی از *Sium latifolium L.* که گیاهی از تیره چتریان می‌باشد توسط Parczewaki صورت گرفته است بعلاوه از اسانس پوست نارنگی (*Citrus reticulata Blanco*) نیز به دست آمده است (2).

این ماده دارای فرم‌های راست‌گرد و چپ‌گرد است که هر دو، حالت مایع دارند. از پری‌لال‌دهید، نوعی ماده بسیار شیرین به نام پریلا شوگر *Perilla sugar* به فرمول $C_1H_{10}NO$ تهیه می‌شود بعلاوه بطور سنتز نیز اقدام به تهیه آن شده است. از این ماده که در حدود ۲۰۰۰ دفعه از قند شیرین‌تر است به عنوان یک عامل شیرین‌کننده در ژاپن استفاده بعمل می‌آید.

از نظر درمانی، دانه و برگ آن جهت رفع سرفه، و به عنوان مقوی‌سعد و ضد عفونی‌کننده مصرف می‌شود. مقدار مصرف برگ آن، ۷ گرم در روز و دانه‌اش ۵ - ۸ گرم است.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

۴ - از برگ‌وگل‌گونه دیگری از آن به نام *P. nankinensis Decsne* *، که در ژاپن می‌روید. بوسیله تقطیر با بخار آب، اسانسی به رنگ زرد روشن یا زرد مایل به سبز با وزن مخصوص ۰.۹۲۶ ر. تهیه می‌شود که در ژاپن به نام اسانس شیزو *Essence de Shiso* موسوم است. این اسانس از الئید هیدروکومینیک *Al. hydrocuminuque* والئید پرلیلیک (*Ald. perillique*) تشکیل می‌یابد.

۵ - ازدانه *P. arguta Benth.* *، روغنی استخراج می‌شود که از آن برای غیرقابل نفوذگردانیدن چترهای کاغذی و کاغذهای الصافی بروی شیشه، استفاده می‌گردد و بعلاوه بومیان محل نیز از آن تغذیه می‌نمایند.

۶ - *Hyptis spicigera Lam.* *، در سودان و کنگو می‌روید. روغن خشک‌شونده‌ای شبیه روغن بزرک از میوه آن تهیه می‌گردد. مصارف مختلف روغن آن شبیه روغن بزرک و روغن کنجد می‌باشد. از نظر درمانی این روغن را در آب وارد کرده به صورت حمام جهت شستشوی کودکان به کار می‌برند. بعلاوه بومیان محل این روغن را بروی پوست سر، جهت رفع سردرد می‌مالند.

۷ - *Hyptis pectinata Poit.* *، در نیجریه به حالت وحشی می‌روید. از برگ آن

1 - Semmler, Zaar, Ber. 44, 52, 815 (1911).

2 - Kugler Kováts, Helv. Chim. Acta 46, 1480 (1963).